



استیصال رسانه ملی

حساسیت، جایگاه و میزان اثرگذاری رسانه از واضح‌ترین مسائلی است که اغلب مردم هم تا حدی به اهمیت جایگاه آن واقف‌اند، اینکه رسانه ملی و مشخصاً سیمای جمهوری اسلامی در میان انوان رسانه‌ها در جایگاه ویژه‌ای قرار دارد بر هیچ‌کس پوشیده نیست و اغلب اقشار جامعه بر این امر واقف‌اند تا چه رسد به مسئولین این بخش. اما هنگامی که عملکرد سیمای ملی بلاخص در سال‌های اخیر مورد بررسی قرار می‌گیرد، بلافاصله این پیام به اذهان متبادر می‌شود که قریب به یقین ضرورت رسیدگی به امر نظارت مورد غفلت قرار گرفته و در موارد متعددی آگاهانه کوتاهی‌هایی شده است.

در رسانه‌ای که بایستی مروج معارف اسلامی و فرهنگ اصیل ایرانی باشد به ناگاه شاهد این هستیم که در برنامه‌ای پربیننده تماشاچیان حاضر به سن دعوت می‌شوند، برخورد‌های تحقیر آمیزی توسط مجری برنامه با آن‌ها صورت می‌گیرد و مجری برنامه آن‌ها را دست می‌اندازد تا وجه طنز کار حفظ شود و در واقع به جای حفظ کرامت انسانی افراد و رواج هرچه بیشتر این ارزش در میان مردم و تولید محتوی غنی برای آن‌ها، از طریق رسانه ملی به کرامت انسانی خدشه وارد می‌شود! و در برنامه‌ای دیگر مجری در حال گفت و گو با مردی مسن با لحنی زننده و

به دور از ادب برای گفت و گو با این شخص استفاده می‌کند و در آخر هم از شبه جمله‌ی «زرشک» استفاده می‌کند، گرچه که توضیحاتی از سوی مجری برنامه در رسانه ملی پخش شد اما به هر جهت این رفتار از لحاظ بار معنایی و فرهنگی حامل پیام‌های ضد ارزش و غیرهم سو با اهداف متعالی رسانه‌ی ملی است و به وجهی غیرمستقیم به ما القاء می‌کند که در نظارت‌های سیمای پارامترهای اخلاقی نقش خاصی ندارند و این ضروریات در حاشیه امر نظارت قرار دارند.

اما گاه این زخم چرکین به قدری سرباز می‌کند که بیش از پیش برای همگان خلع نظارت قوی و موثر بر برنامه‌های سیمای نمایان می‌سازد. برای مثال در هفته اخیر ویدیویی به سرعت در فضای مجازی دست به دست شد که حاوی توهین علنی به قشر شریف و زحمت‌کش تاکسی‌ران‌ها بود. حال سوال اینجاست با وجود آنکه بر برنامه‌های سیمای نظارت‌های چند براه‌ای انجام می‌گیرد و علاوه بر آن برنامه‌ی آشپزی مورد نظر به صورت زنده پخش نمی‌شود و قابلیت اصلاح بیشتری هم داشته چه دلیلی می‌تواند این توهین کلامی را توجیه کند؟ این اتفاق صدای زنگ هشدار نظارت ضعیف بر برنامه‌های سیمای را با صدای بلند تری به گوش می‌رساند. ضمن

این‌که پیش از این ماجرا هم در قسمت‌های دیگر از این برنامه بی اخلاقی دیگری دیده شده که انتظار میرفت با وجود اتفاق مذکور پیش از بیان چنین عبارتی به موضوع توهین به اشخاص در این برنامه نظارتی صحیح صورت بگیرد تا بار دیگر شاهد این بیان‌ها در رسانه ملی نباشیم. سال‌هاست که صداوسیما علیرغم بودجه کلانی که می‌گیرد در کیفیت تولیدات و نظارت بر برنامه‌های پخش شده از شبکه‌های مختلف این مجموعه، اهمال‌کاری بسیاری انجام داده است و علاوه بر اختصاص بودجه بر برنامه‌هایی که هیچ جایی در فرهنگ ایرانی - اسلامی ندارند سبب توقف پخش برنامه‌هایی شده است که برخلاف جریان غالب بی محتوا و گاه بی اخلاق رسانه سعی در افزایش فهم و رشد مخاطب داشته‌اند. اما با این وجود ما هنوز از مطالبه از این دستگاه عظیم دست نکشیده‌ایم و امیدواریم با شایسته‌سالاری و تحول در فضای مدیریتی و اجرایی سازمان مسیر جدید و بهتری را در رسانه ملی شاهد باشیم.

زینب بذرافشان

«مارش شکست»

آن چیزی ارزش نوشته شدن دارد که با گریزی به تکرار، مارا با عینکی جدید به مسائل بازگرداند و این عینک جدید لزوما ارائه دهنده تصویری جامع و درست نیست بلکه مارا در فهم بیشتر مطلب یاری می‌کند تا شماره چشممان دستمان بیاید! پس از اظهارات تجزیه طلبانه رجب طیب اردوغان، پاسخ‌های بسیاری در نفی این اظهارات از داخل و خارج از ایران ارسال شد که رئیس جمهور توسعه طلب ترکیه را بر آن داشت که به کوچه چپ مراجعه کند و زحمتی را هم برگردن رئیس جمهور کشور ما بیاندازد تا حضور وی را در این کوچه تایید و بگوید: «بعید می‌دانم اردوغان به تمامیت ارضی ما توهین کند...!» اما پیش از رجوع رهبر حزب عدالت و توسعه ترکیه به کوچه چپ، او نشانی‌های نسبتاً دقیقی از محل استقرار خود در میدان سیاست داده بود. نواخته شدن مارش «مهتر»، از مارش‌های سپاه عثمانی، سخن از سبلان و خواندن شعری که نکات و حواشی‌اش را بهتر از من می‌دانید، ما را بر آن می‌دارد که با جناب اردوغان در مورد توسعه طلبی‌هایش به پیشگویی بپردازیم. در مورد حق یا باطل بودن روند او، سخنان بسیاری گفته شده است اما در راستای نتیجه بخشی رویاهایش و روش‌های چند جانبه‌ای که برای رسیدن به آن‌ها برگزیده، سخن‌چندانی به میان نیامده است چرا که کسی به این نمی‌اندیشد که اگر می‌خواهید با یک جاه طلب به گفت و گو بپردازید باید از چه زبانی بهره‌گیری.

حق و باطل او در رسیدن به اهدافش می‌باشد و نه به چالش کشیدن آن‌ها، و خب داستان همان عینک جدید مارا به

خلوت با او می‌کشاند که آیا این شکل از گورکنی رئیس جمهور ترکیه برای همسایگانش، در نیل به مقاصد، موفقیت آمیز خواهد بود یا خیر؟ و در این جا تکرار می‌کنم که این موفقیت آمیز بودن از زبان یک توسعه طلب تعریف خواهد شد. به نشانی‌های او از محل استقرارش در میدان سیاست بازگردیم؛ برنامه‌ریزی برای آغاز تنش‌های همزمان در تعامل با کشورهای اروپایی و جهان اسلام و به همراه داشتن نوعی از انکار محافظه‌کارانه برای منحرف کردن افکار عمومی از اهداف حقیقی این حرکات که در اشکال گوناگون کنش‌های سیاسی پنهان شده‌اند و شکل واحدی ندارند، بخشی از این نشانی به شمار می‌رود.

دست گذاشتن بر روی نقطه ضعف‌های اروپایی‌ها، یعنی منابع تامین کننده نفت ایشان در شرق مدیترانه، مداخله نظامی در کشورهای منطقه با بهره‌گیری از زمینه‌های مسائل قومی و مناقشات مرزی، تلاش برای نفوذ اقتصادی و فرهنگی در دامنه جهان اسلام که همراهی آن با محوریت ملی‌گرایی، نوع جدیدی از تعاملات مخرب میان ترکیه و کشورهای اسلامی را رقم زده و از نمونه‌های ایجاد تنش در جهات و اشکال گوناگون از سوی ترکیه نسبت به همسایگان خود می‌باشد.

بررسی جزئیات بیشتر عملکرد حکومت ترکیه مارا به سیری منطقی و هدفدار از کنش‌های سیاسی این کشور با هدایت اردوغان می‌رساند که ارتباط مشخص و صریحی با اظهارات رسانه‌ای ایشان ندارد. بدین معنا که رهبر حزب عدالت و توسعه این کشور به تطابق کلام خود و

انگیزه‌های حقیقی‌اش در تحقق شکل جدیدی از امپراطوری عثمانی، پایبندی چندانی ندارد و بازگشت از سخنان خود، انکار و رجوع به همان کوچه چپ را بر از دست دادن افکار عمومی و هم پیمانان موقت خود ترجیح می‌دهد. نکته مهم در این فرایند بی‌توجهی به ارزش مولفه زمان است. رجب طیب اردوغان، زمین وسیعی را برای کشورگشایی خود برگزیده که تنوع ظهور این کشور گشایی نیازمند تحلیل بسیاری است اما تزلزل روند طراحی شده علی‌رغم در نظر گرفتن ظرافت‌های بسیارش که تا کنون نتایج ثمربخشی را برای رئیس جمهور این کشور به دنبال داشته است، در بستر زمان خود را بهتر و بیشتر از گذشته نشان خواهد داد. چراکه رئیس جمهور ترکیه مبنایی را برای مسیر خود برگزیده است که در ادامه راه هیچ متحدی را باقی نمی‌گذارد.

نه می‌توانیم بگوییم مبنای آن اسلام است، نه می‌توانیم بگوییم مبنای آن ملی‌گرایی است. شاید محتمل‌ترین و صادق‌ترین مبنای تفسیر آنچه که او انجام می‌دهد، تولد و هدایت قدرتی از جانب رجب طیب اردوغان است که خود را بر حسب نیاز و در مواضع گوناگون با نام اسلام و یا منافع ملی به ظهور می‌رساند.

این وسعت زمین بازی برای کشورگشایی، با گذر زمان و فهم سایر حکومت‌ها نسبت به قدرت افزایی ترکیه از مسیر ضعیف ساختن سایر کشورها، مارشی خواهد شد که ابتدای آن برای نوازندگان دل‌ربا و انتهای آن موجب مرگشان خواهد شد!

فاطمه بیگدلی



بر مدار بودجه

لایحه بودجه ۱۴۰۰ که به مثابه آخرین لایحه بودجه‌ای است که دولت دوازدهم (تدبیر و امید!) به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرده است، پر از چالش‌های ریز و درشت ساختاری است. در نگاهی اجمالی شاید بتوان گفت با این نوع از بودجه بندی شاهد یک ابرتورم در سال آغازین سده پانزدهم هستیم. به طور کلی نرخ رشد اعتبارات هزینه‌ای در لایحه بودجه سال آینده نسبت به مصوب سال نود و نه، ۵۹٪ است که افزایش ۵/۳ برابری را نسبت به سال قبل تجربه می‌کند.

در حوزه منابع درآمدی مالیاتی، در بودجه ۱۴۰۰ با کاهشی تقریباً ۱۰ درصدی مواجه هستیم که با نرخ ۲۷٪ کمترین رقم در هفت سال گذشته است. نکته حائز اهمیت در این زمینه نیز کاهش ۷ درصدی مالیات بر واردات و در مجموع عدم تغییر نرخ مالیات‌های غیرمستقیم است.

در دیگر حوزه درآمدی یعنی انتشار اوراق، با رقمی در حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان مواجه هستیم که نسبت به بودجه مصوب سال ۹۹، حدود ۲۰ هزار میلیارد تومان افزایش داشته است و همچنین دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۰ پیش‌بینی کرده است که

در صورت عدم تحقق درآمدهای نفتی می‌تواند تا سقف ۲۰۰ هزار میلیارد تومان - با کسب مجوز از شورای عالی سران - به رقم فوق اضافه نماید.

اما در حوزه نفت می‌توان گفت میزان وابستگی (مستقیم و غیر مستقیم) به نفت تقریباً به بالای ۳۰٪ افزایش یافته است که در مقایسه با بودجه ۱۳۹۹، افزایش ۲۰ درصدی را تجربه می‌کند که البته این مقدار از وابستگی، بخشی از درآمدهای نفتی را که در قالب استقراض از صندوق توسعه ملی استفاده می‌شود را در بر نمی‌گیرد و بنابراین نرخ حقیقی آن به مراتب بیشتر از ارقام فوق است.

در مجموع در بودجه سال ۱۴۰۰ از منظر کسری ساختاری بودجه (بدون فروش نفت، استقراض و فروش شرکت‌ها و دارایی‌های دولتی) با کسری ۵۱۹ هزار میلیارد تومان و از منظر کسری حقیقی بودجه (با احتساب فروش نفت، استقراض و فروش دارایی‌های دولتی) با کسری حدود ۳۴۴ هزار میلیارد تومان مواجه هستیم که این رقم در سال‌ها ۹۸ و ۹۹ به ترتیب ۲۶۷ و ۱۹۶ هزار میلیارد تومان بوده است و این بدان معناست که با استناد به لایحه

بودجه ۱۴۰۰ با تراز عملیاتی ۴۰- درصدی در سال آینده مواجه هستیم.

با استناد مؤخره متن از مقدمه آن، می‌توان گفت دولت و جریان سیاسی حامی آن با تدوین چنین لایحه بودجه‌ای در دو بعد سیاست داخلی و خارجی، اهداف خود را به ترتیب ناظر به انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و احیای گفت‌وگو مذاکره در مواجهه با دولت دموکرات از گرد راه رسیده، پی می‌گیرد. این کنش دولتمردان، بدل حقیقی اندیشه‌های ماکیاولیستی در ساحت عمل است که بازنده اول و آخر آن مردم و علی‌الخصوص طبقات مستضعف و دهک‌های کم درآمد جامعه هستند.

حال در این وادی این تنها مجلس است که می‌تواند با ابزارهایی همچون رد کلیات بودجه ۱۴۰۰، اصلاحات رادیکال ساختاری و تطبیق مفاد آن با واقعیات اقتصادی و سیاسی جامعه، این بستر سازی دولت را بر هم بزند.

علیرضا صفری

با شما هستیم آقای حقوق دان!!

نشست خبری ۲۴ آذرماه رئیس جمهور محترم در حالی آغاز شد که ایشان متناقضترین دفاعیات خود را در قبال عملکرد ۷ ساله دولت شان را بیان کردند.

سخن از آنجایی گشوده شد که ایشان در تلاش برای تقدیس دولت کم‌ثمر خود، از واژه جنگ تحمیلی اقتصادی پرده برداری کردند؛ جنگی که به گفته خود پس از سال ۹۲ و از سوی دول غربی به ملت ایران تحمیل شد. وی با مقایسه عملکرد دولت خود با دولت‌های پیشین، اشاره به شرایط اقتصادی وخیم و تورم شدید آن روزها نمود. این سخنان در حالی گفته می‌شد که آمارها حاکی از این بوده که در دوره دوم دولت ایشان، بی‌سابقه‌ترین تورم در میان دولت‌های پس از انقلاب صورت گرفته است. در جای دیگر نیز با توصیف صف‌های طولانی جهت تامین کالا در زمان دولت دهم، به کمبود و تحریم کالاهای اساسی در دولت خود اشاره کرد، در عین حالی که دوران تصدی دولت خود را، ایام خودکفایی و مازاد تولید کالاهای اساسی در کشور فرض کرد. البته ایشان اشاره‌ای به کشته‌های صفوف توزیع سبب کالا در ابتدای ایام دولت تدبیر و امید نکردند!

دفاعیات جناب رئیس جمهور در زمانی صورت می‌پذیرد که اساسی‌ترین نقدها به مدیریت فشل ایشان در ایام شیوع و پیرس کرونا نیز وارد است. ایشان از عملکرد دولتی دفاع می‌کند که رئیس آن تا هفته‌های متمادی، حاضر به پذیرش ستاد ملی مقابله با کرونا نشد و پس از آن نیز، شیوه‌ی مدیریتش موجب تشدید مکافات بود. رئیس جمهوری که از اداره کشور در اوضاع بحرانی، فقط نشستن و حرف زدن بلد بود. رئیس جمهوری که حضور در خط مقدم مقابله با سیل کرونا را بی‌عقلی خواند. سوء مدیریت در حادثه سیلی که خوزستان را به گل نشاند از

مصادیق بارز نحوه اداره کشور در مدت دولت ایشان است. از دیگر عملکردهای دولت ایشان می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

افزایش افسار گسیخته قیمت خودرو، افزایش قیمت کالاهای اساسی جامعه، رکود، دست به گریبان شدن سطح بیشتری از جامعه با فقر، افزایش روز به روز بیکاران، گران کردن یک شبه بنزین، شکایت و تعطیلی مطبوعات، خصوصی‌سازی مفسده‌آمیز، اخراج کارگران، ضعف جدی در بحران سیلاب‌های پی‌درپی خوزستان، ناتوانی در تامین آب شهروندان سیستان، ترور دانشمندان، تعطیلی صنایع هسته‌ای، از کاهش صادرات تا افزایش واردات، از کاهش نرخ رشد جمعیت تا ابتدال فرهنگی جامعه؛ همه و همه از نتایج بی‌عملی دولت تدبیر و امید است.

عملکرد دولت ایشان نه فقط به بی‌عملی که به جلوگیری از فعل و انفعالات دیگر دستگاه‌ها و تناقض‌گویی میان دیگر مسئولان نیز منجر شد. به عنوان مثال، رئیس جمهور ملاک نفی فایده‌ی طرح اقدام راهبردی مقابله با تحریم‌ها را، جمع‌بندی اعضای ۳۰ نفره هیئت دولت می‌داند و ملاک اثربخشی و مفید بودن آن را، تأیید و تصویب ۲۵۱ نفر از نمایندگان ملت نمی‌داند!!

وی بارها و بارها از وجود تحریم‌های ظالمانه یاد کرد و مقاومت ملت ایران را ضامن پایان این تحریم‌ها دانست و حال مگر نه آنکه ایشان در طی اظهارات فراوانی، رفع مشکلات کشور و حتی تامین آب خوردن مردم را هم به «مذاکره» گره زده بود!

نهایتاً ماه‌ها مذاکره برای رسیدن به برجام، و برجامی که به گفته‌ی دیپلمات‌ها و اقتصاددانان صفر+صفر بود. و در نتیجه هنگامی که جنازه متعفن آن بازبچه‌ی دست می‌شود، هدف از تقبل تمامی هزینه‌هایش، کسب جام اخلاق منظور می‌گردد.

چشم دوختن به روی کار آمدن دولت جدید ایالات متحده آمریکا تا جایی که دولت کشور را در خطرناک‌ترین و اضطراری‌ترین حالت ممکن رها کرده و وارد سیاسی‌کاری برای جهت‌دهی به اذهان مردم برای ایجاد رغبت عمومی، در راه مذاکره با دولت دموکرات آمریکا می‌شود.

دفاع جناب رئیس جمهور از عملکرد کلی شان در ۷ سال گذشته و مقایسه با شرایط پیش از آن، تا به آنجا ادامه می‌یابد که لایحه بوجه ۱۴۰۰ را بسیار مفید ارزیابی می‌کند.

لایحه بودجه سال آینده که با رشد محسوس منابع حاصل از فروش نفت (شامل فروش روزانه ۲۳۰۰۰۰۰ بشکه نفت خام و میعانات گازی) لحاظ شده و این در حالی است که طبق اظهارات دیگر ایشان در همین نشست، فروش نفت در سال جاری و سال‌های گذشته بشدت کاهش یافته است و با همین تخمین نسبت به سال آینده، فروش این میزان از نفت خام، توهم و غیرعقلانی می‌باشد و موجب کسری قطعی بیش از ۳۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد شد.

جالب توجه است که در آستانه‌ی روز پژوهش، سخنان رئیس جمهور حاوی مطالب و دفاعیات متناقض و انتزاعی و البته بی‌پشتوانه، آماری دقیق منتشر می‌شود تا هرچه بیشتر تناقض توضیحات ایشان عیان گردد.

مطلبی که واضح است آن است که سرنوشت ملت ایران ۷ سال در زمین بازی دولت تدبیر و امید پاس‌کاری می‌شده و تنها کسی که از اوضاع کشور خبر نداشته، جناب رئیس جمهور می‌باشد. هفت هیچ، به نفع تدبیر و امید!

علی انصاری فر

